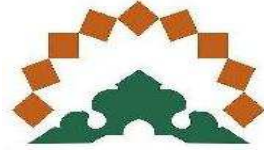


وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری  
موسسه آموزش عالی علامه دهخدا



## درآمدی بر شهرشناسی

**بررسی نظریه های برنامه ریزی شهری در زمینه  
ویژگی های یک شهر خوب**

مدرس : مهندس عزیز بنی سعید

به نام آن که جان را فکرت  
آموخت



- ۱- عنوان نظریه : نظریه شکل شهر (A Theory of City Form)
- ۲- واعظ نظریه : کوین لینچ ( Kevin Lynch )
- ۳- دوره حیات : از سال ۱۹۱۸ تا سال ۱۹۸۴
- ۴- ملیت : کشور ایالات متحده آمریکا
- ۵- اتمام اثر علمی و اعلام رسمی نظریه : سال ۱۹۸۱
- ۶- مخاطب نظریه : برنامه ریزان شهری - طراحان شهری
- ۷- طراحی نظریه در پاسخ گویی به این سؤال انجام شده است ( چه چیزهایی یک شهر را خوب می سازند ؟ )

# هدف از ارائه نظریه

❖ ارائه نظریه ای کلی و عمومی در مورد یک مجتمع زیستی خوب

❖ این نظریه قابل اعمال و سازگار در کلیه جوامع انسانی کلیه فرهنگ ها در زمینه برنامه ریزی و طراحی شهری باشد و قادر باشد ارزش های انسانی را به عملیات خاص و مشخصی در ساختار فضایی پیوند دهد .

❖ کشف عناصر و اجزایی که موجب بوجود آمدن یک شهر خوب می گردد .

## محورهای اصلی نظریه :

نظریه شکل شهر (خوب) بر محورهای های زیر تاکید دارد :

- ❖ محور نخست ، سرزندگی (Lively)
- ❖ محور دوم ، معنی (Mean)
- ❖ محور سوم ، تناسب (Proportion)
- ❖ محور چهارم ، دسترسی (Access)
- ❖ محور پنجم ، نظارت و اختیار (Control and Option)

## محور نخست : محور « سرزندگی »

منظور از سرزندگی این است که :

❖ تا چه اندازه شکل شهر حامی و پشتیبان عملکردهای حیاتی و نیازهای بیولوژیکی است .

❖ تا چه اندازه شکل شهر قادر است توانایی های انسانی را به کار گرفته و از او حمایت نماید .

❖ تا چه اندازه شکل شهر بقاء همه موجودات را ممکن می سازد .

بنابراین برای این که یک زیست گاه شهری سرزنده باشد باید به سه نیاز که در همه شهرها مشترک است توجه گردد که به عنوان محورهای فرعی سرزندگی تلقی شده و عبارتند از :

✓ محور فرعی نخست : بقاء ( **Duration** )

✓ محور فرعی دوم : ایمنی ( **Security** )

✓ محور فرعی سوم : سازگاری ( **Compatibility** )

## محور فرعی نخست: بقاء

منظور از بقاء ، وجود مقدار کافی محصول است تا امکان زندگی را فراهم نماید . این محصولات می تواند شامل :



# وجود مقدار کافی مواد غذایی برای ساکنان



# وجود عرضه کافی مواد سوخت





## وجود هوای پاک و سالم

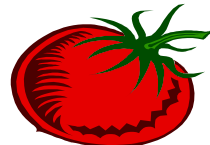
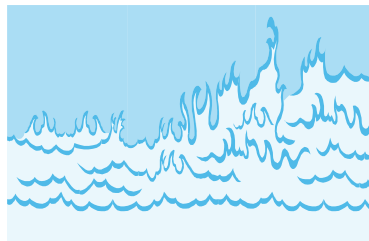
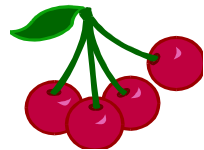
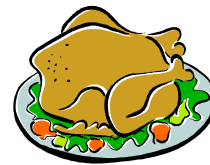
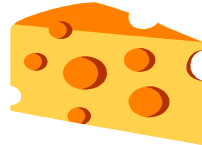
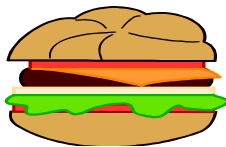
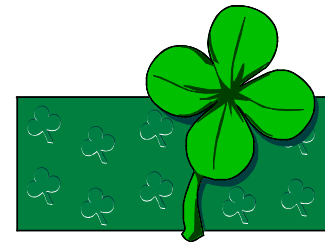
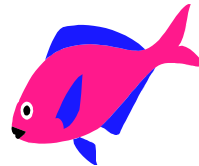
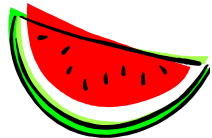
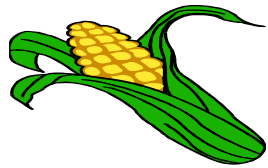




# وجود آب شرب تمیز و پاک

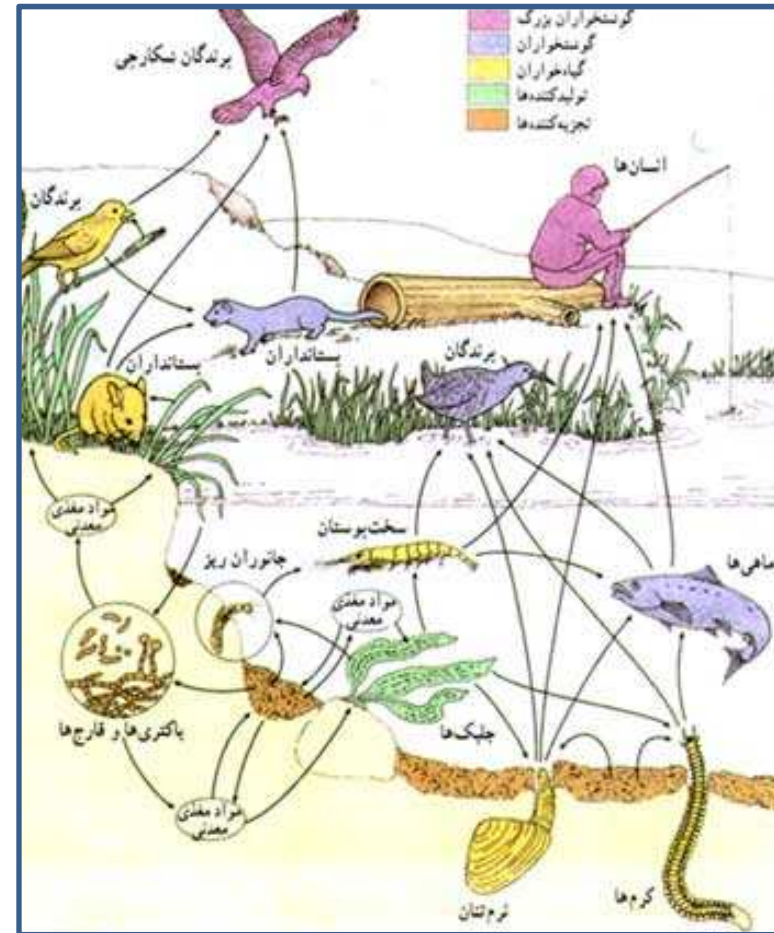
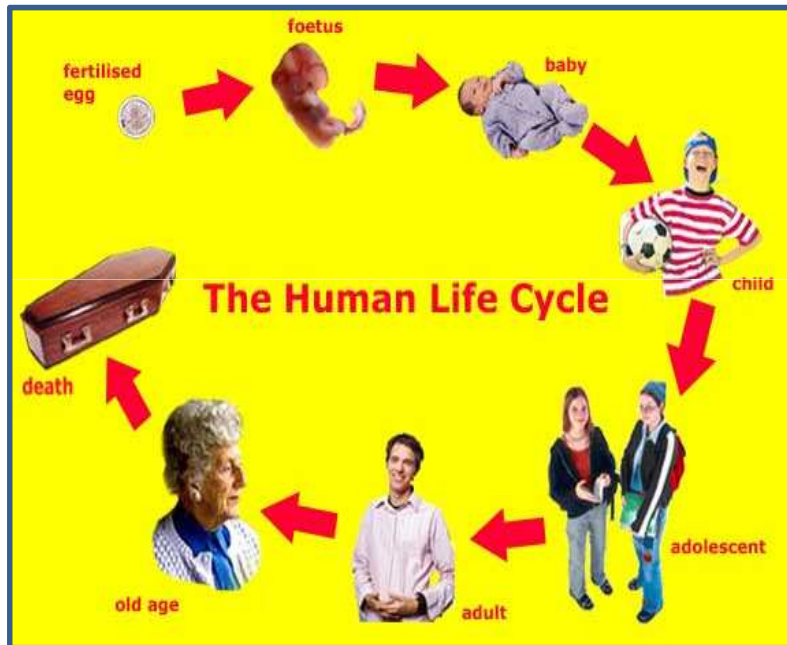


و به طور کلی بقاء شامل هر  
چیزی است که نیازهای  
بیولوژیکی را برآورده می سازد .



چنان چه مقوله بقاء به عنوان یک سیستم تلقی شود موضوعات زیر مطرح می گردد :

چرخه حیات انسان از تولد تا مرگ



چرخه حیات انسان و سایر جانداران در یک اکوسیستم

# تراکم جمعیت نسبت به منابع موجود ✓

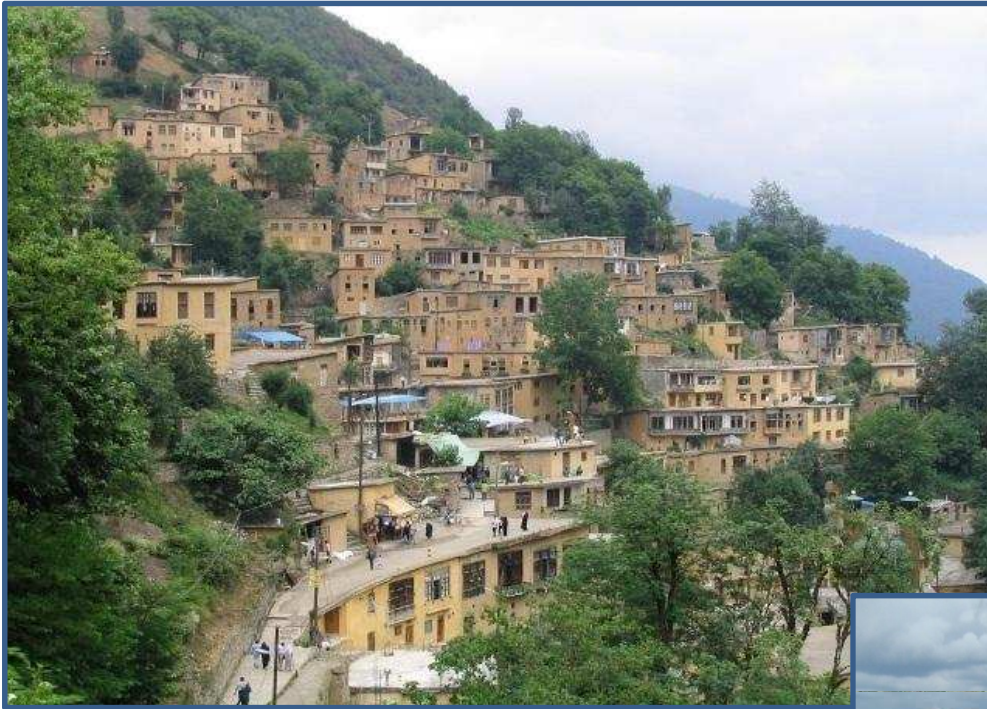




✓ میزان عرضه و مصرف کالا

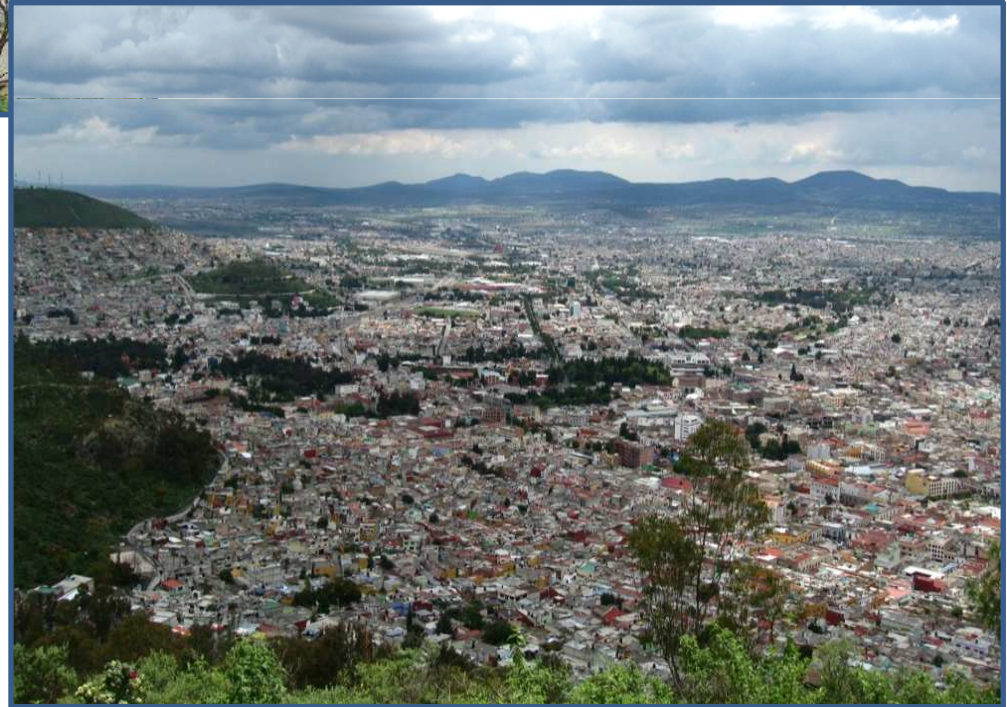






## ✓ مکان گزینی شهرها

مکان گزینی در نواحی  
مرتفع و کوهستانی



مکان گزینی در نواحی  
دشتی و هموار



مکان گزینی در نواحی  
ساحلی



مکان گزینی در نواحی  
کوهپایه ای

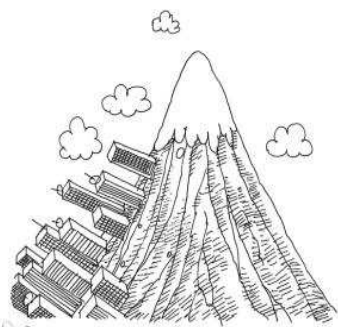


مکان گزینی در نواحی  
ساحلی



مکان گزینی در نواحی  
کوهپایه ای

✓ ساختمان ها و تعامل و ارتباط آن با عناصر طبیعی همچون  
میزان دریافت نور و گرمای خورشید ، جریان هوا



✓ روش حفاظت از فضاها ، خاک ، پوشش گیاهی و چگونگی  
استفاده از آنها جهت تولید محصولات موردنیاز





## روش های دفع زباله ✓



## محور فرعی دوم: ایمنی

در این نظریه ، سکونت گاه خوب ، سکونت گاهی است که در آن خطرات ، سموم و بیماری وجود نداشته باشد و یا تحت کنترل قرار گرفته باشد و بنابراین ترس از مواجه شدن با آنها به حداقل کاهش یافته است و فضای شهری امن شده است .

**خطرات به دو طبقه اصلی و کلی قابل طبقه بندی هستند :**

**الف) خطرات منتج از رفتارهای انسانی :** خطراتی هستند که توسط انسان در نتیجه رفتارهای خودآگاهانه و یا ناخودآگاه تظاهر نموده و موجب ایجاد جلوه هایی از ناهنجاری ها ، نارضایتی ها ، آسیب ها ، بزه کاری ها ، نامطلوبی ها و ... می گردد و می تواند شامل: تغییرات اقلیمی، آتش سوزی ها ، برداشت از معادن و منابع تجدید نشونده ، کاهش کیفیت محیطی و خطرهای فناورانه یا تکنولوژیکی و غیره ، گردد . این گونه رفتارها ممکن است موجب آسیب رساندن به خود و یا سایر افراد جامعه و یا طبیعت شوند .





**ب) خطرات منتج از رفتارهای طبیعی : خطراتی هستند که ناشی از رفتارهای مخرب طبیعت می باشد ، که می توانند مطابق با منشا پیدایش شان به خطرهای: زمین شناسی (شامل: زلزله، سونومی، فعالیت آتشفشانی)، هیدرو اقلیمی (شامل: سیلاب ها، طوفان های استوایی ، خشکسالی) و یا زیستی و بیولوژیکی (شامل: بیماری های همه گیر)، طبقه بندی گردند.**



## محور فرعی سوم: سازگاری

سازگاری بدین معنی است که فضای شهری باید با سیستم بیولوژیکی انسان سازگاری داشته باشد ( میزان هماهنگی بین محیط زیست و نیازهای طبیعی انسان) . این سازگاری باید شرایط مناسب را برای آسایش نسبی انسان بوجود آورد :

**به عبارت دیگر فضای شهر باید :**

# ۱- باید امکان تامین حرارت داخلی بدن را موجب شود .



## ۲- باید منطبق با آهنگ موزون طبیعی انسان مانند خوابیدن و بیدار شدن ، راه رفتن ، کار کردن ، ورزش کردن و غیره باشد .







**۳- باید قادر باشد اطلاعات بصری  
را در حد مطلوبی در اختیار بگذارد  
( برخی از شهرها در معرض مه  
گرفتگی ، گرد و غبار و غیره هستند )**





فشارهای ناشی از سروصدا

۴- باید ساکنان شهر تحت فشارها و محرک های سوء شهری قرار نگیرند .



فشارهای ناشی از شلوغی خیابان ها



فشارهای ناشی از کمبود فضای پارکینگ شهری



فشارهای ناشی از آلودگی هوا

محرك های سوء ناشی از  
فقدان خدمات عمومی  
شهری







قطع برق مداوم و خاموشی  
های پی در پی



قطع پی در پی سیستم  
آبرسانی شهری



احساس خطر و فقدان  
و یا ضعف در برقراری  
امنیت شهری

درگیری های خیابانی



و به طور کلی هر چیزی که موجب آزرده‌گی خاطر ،  
ایجاد هیجانات ناهنجار، بوجود آمدن رعب و  
وحشت ، احساس ناامنی و خطر ، و ..... می‌گردد .

**۵- باید انسان را از محرک های ضروری  
محروم نکند .**

**مانند ورزش کردن ، موسیقی گوش دادن ،  
ازدواج کردن ، تفریح کردن ، خندیدن ،  
گریه کردن ، فعالیت کردن و .....**

**۶- باید خصوصیات فیزیکی انسان  
همچون قد ، وزن و مقیاس های  
انسانی مورد توجه قرار گیرد .**

## محور دوم: محور « معنی »

منظور از معنی این است که شهر تا چه اندازه می تواند به وسیله حواس درک شود .  
به عبارت دیگر یک شهر خوب باید معنی دار باشد و انسان از طریق حواس خود قادر  
باشد عناصر موجود در آن را با زمان و مکان و با مفاهیم غیرفضایی همچون فرهنگ ،  
سنت ، عرف و غیره پیوند دهد. بنابراین باید :

❖ به وضوح درک شود .

❖ از نظر ذهنی قابل شناسایی باشد .

❖ ساکنین آن قادر باشند آن را در زمان و مکان به تجسم درآورند .

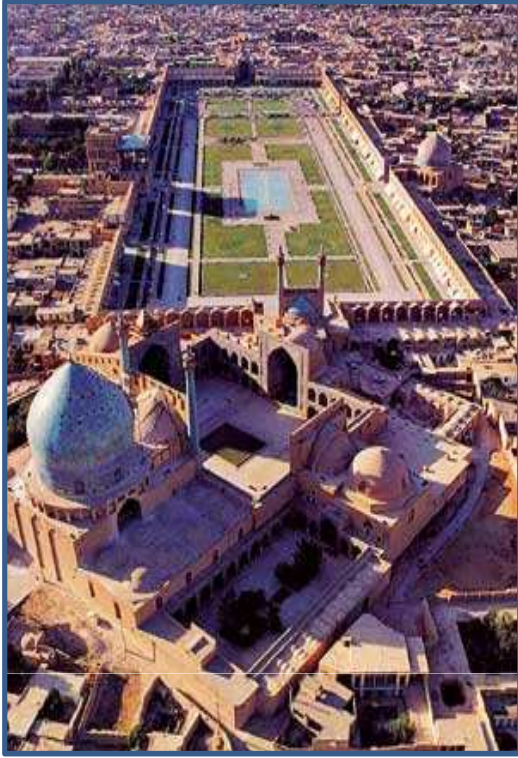
### Sense of Time – Sense of Place

❖ ساختار شهر با ارزش ها و مفاهیم جامعه در ارتباط باشد ( یعنی انطباق محیط با  
توانایی های احساسی و ذهنی و ساختارهای فرهنگی )

# شدت اثر یک فضای شهری از جنبه معنی

فضاهایی که بار معنایی زیادی را به مخاطبین ، ناظرین منتقل نماید .

فضاهایی که بار معنایی کمی را به مخاطبین ، ناظرین منتقل نماید .



زیاد ← بار معنایی → کم



زیاد ← بار معنایی → کم





زیاد ← بار معنایی → کم





کم ← بار معنایی → زیاد



کم ← بار معنایی → زیاد





کم ← بار معنایی → زیاد

## هویت (Identification) :

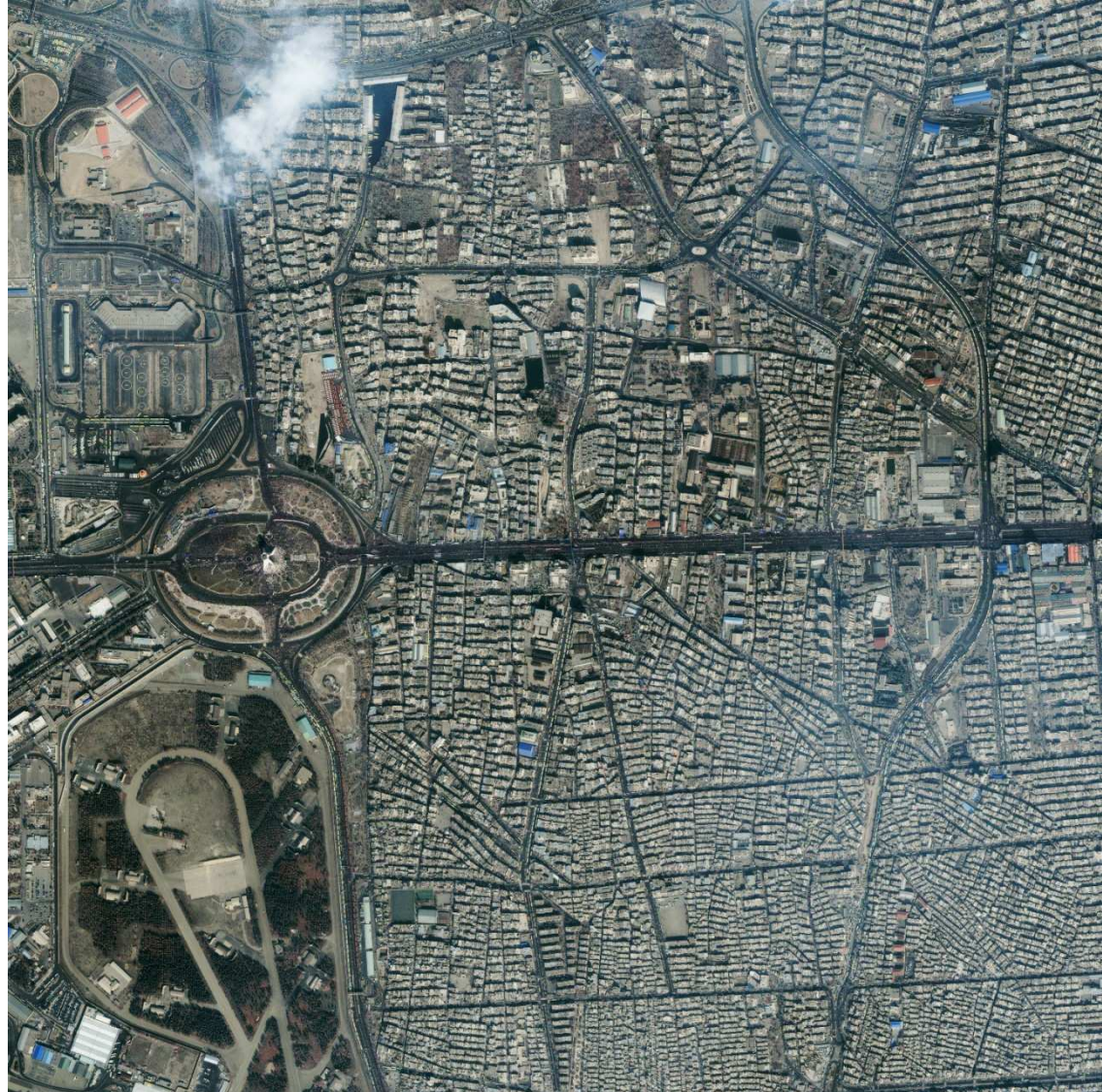
یعنی حدی که شخص می تواند یک مکان را به عنوان مکان متمایزی از سایر مکان ها شناخت و یا بازشناسی نماید ، به طوری که مکان مورد نظر دارای شخصیتی مشخص ، بی نظیر و یا کم نظیر باشد.

## ساختار (Structure):

یکی از مولفه هایی است که موجب شکل یابی یک فضای شهری می گردد و از دو جنبه بار معنایی را بوجود می آورد :

- جنبه نخست : بار معنایی که به واسطه چگونگی پیوند اجزاء و عناصر یک فضای شهری بوجود می آید .
- جنبه دوم : بار معنایی که به عنوان نشانه بودن اجزاء و عناصر شهری ایجاد می گردد و قابلیت جهت یابی را بوجود می آورد.

استقرار میدان آزادی به عنوان  
جزء در یک مجموعه وسیع تر  
به عنوان کل



## شفافیت یا بی واسطگی (Transparency):

یعنی حدی که شخص می تواند مستقیماً و بدون واسطه نحوه عمل فعالیت ها در فضا را تشخیص داده و درک نماید . و به نوعی فضای درکی را برای ناظر بوجود آورد .



مسجد آبی در شهر  
کوالالامپور مالزی

**خوانایی (legibility) :** این مولفه بدین معنی است که تاجه میزان ساکنین یک شهر قادر به برقراری ارتباط صحیح با یکدیگر از طریق عناصر کالبدی و نیز عناصر نمادی می باشند . به عبارت دیگر عناصر شهری قادر باشند خود را به مخاطبین و ناظرین بیان نمایند .

- عناصر کالبدی همچون تقاطع ها ، دروازه ها ، برج ها و غیره
- عناصر نمادی همچون پرچم ها ، تابلوها و غیره



## سازگاری (Compatibility):

این مولفه بیان کننده انطباق شکل یک مکان (یا مکان ها) با شکل یک فعالیت (یا فعالیت ها) می باشد. مانند شکل یک ساختمان مدرسه منطبق با فعالیت آموزشی برای گروه سنی مشخص طراحی و احداث می گردد.



ساختمان آموزشی و  
فعالیت آموزشی



ساختمان تجاری و فعالیت  
تجاری



## محور سوم: محور « تناسب »

منظور از تناسب این است که :

شکل و ظرفیت فضاها ، معابر و تجهیزات یک شهر تا چه اندازه با الگو و کمیت فعالیت هایی که ساکنان شهر به آن اشتغال دارند و اشتغال خواهند داشت منطبق است .

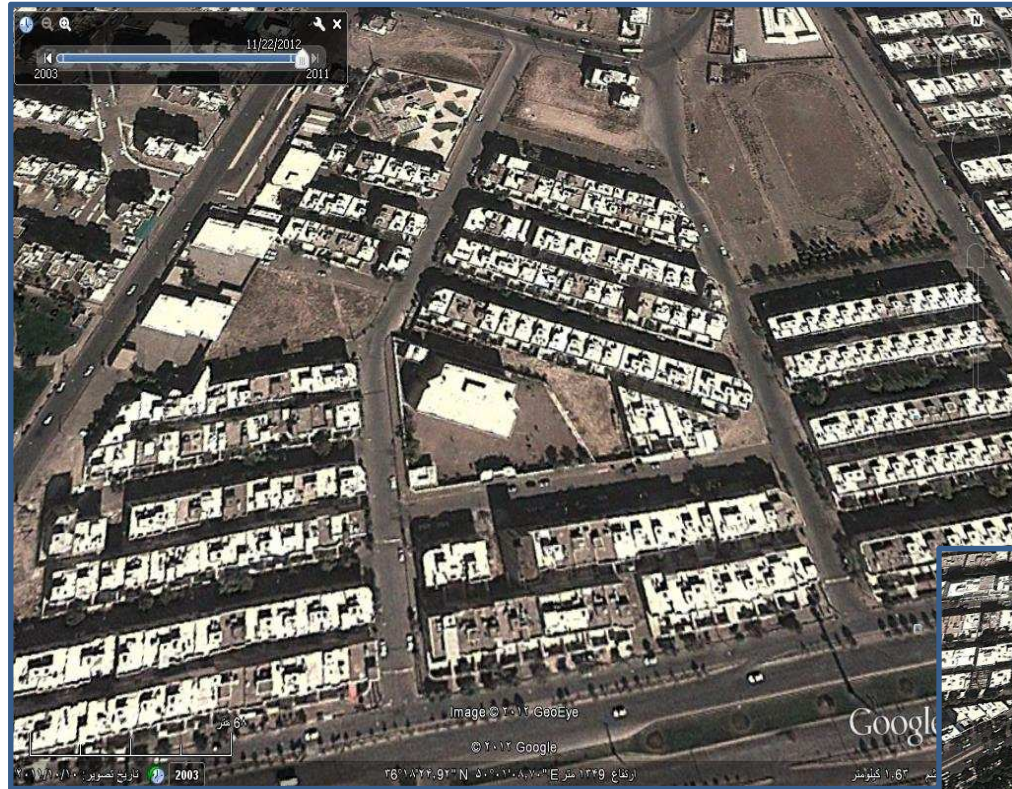
## اصول و مبانی در چیدمان کارکردها و کاربردهای شهری

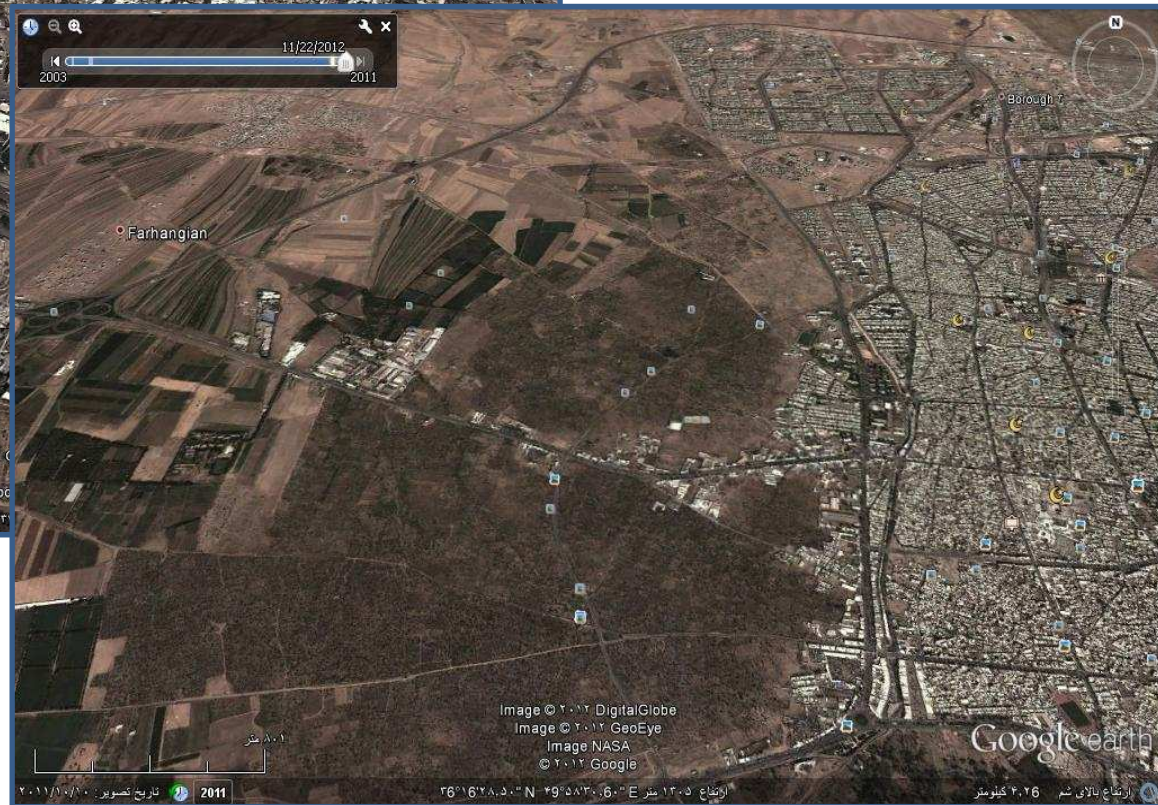
- اصل سنخیت و سازگاری در چیدمان کاربردها
- اصل رعایت سلسله استقرار کاربردهای شهری
- اصل تناسب در اندازه اضلاع کاربردهای شهری
- اصل تناسب در اندازه مساحت کاربردهای شهری
- اصل تناسب در شکل کاربردهای شهری
- اصل اتصال کاربردهای شهری به شبکه های ارتباطی
- اصل انطباق شرایط اقلیمی در برنامه ریزی و طراحی شهری
- اصل عدالت در شعاع دسترسی به کاربردهای خدماتی
- سایر اصول

## ۱- اصل سنخیت و سازگاری در چیدمان کاربردها

برخی از کاربردهای شهری به دلیل نوع عملکردی که دارند موجب مزاحمت و ناسازگاری می شوند. بنابراین برنامه ریزان شهری ماتریسی را تولید می کنند و سنخیت و عدم سنخیت کاربردهای شهری را تعیین و فهرست بندی می نمایند.

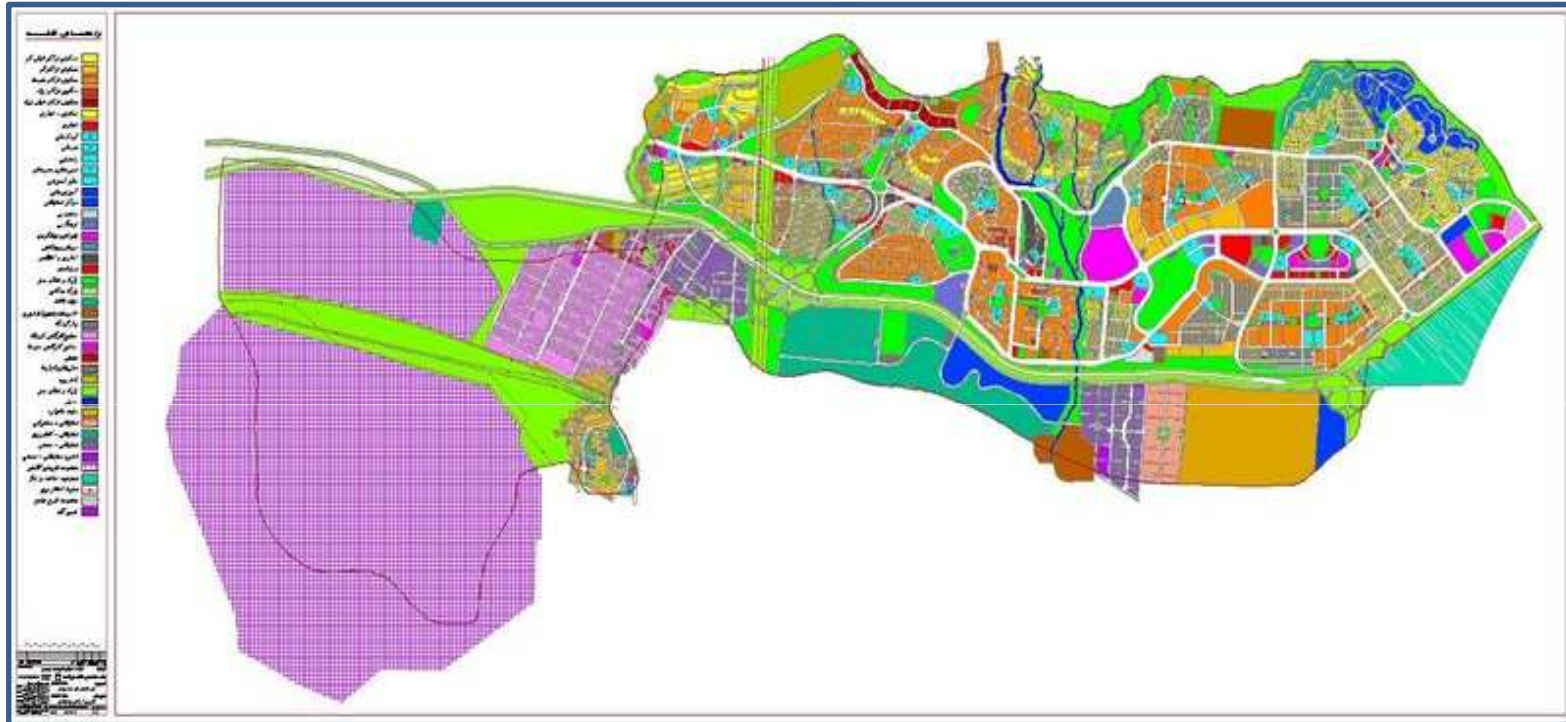
نوع کارکرد اصلی	کاربردهای سازگار	کاربردهای ناسازگار
مسکونی	فضای سبز ، فضای آموزشی ، بازی گاه کودکان ، تجاری خرده فروشی ، غیره	صنایع ، نظامی و انتظامی ، انبار ، سردخانه ، پایانه ، تجاری عمده فروشی ، غیره





# ماتریس سازگاری کاربردهای شهری

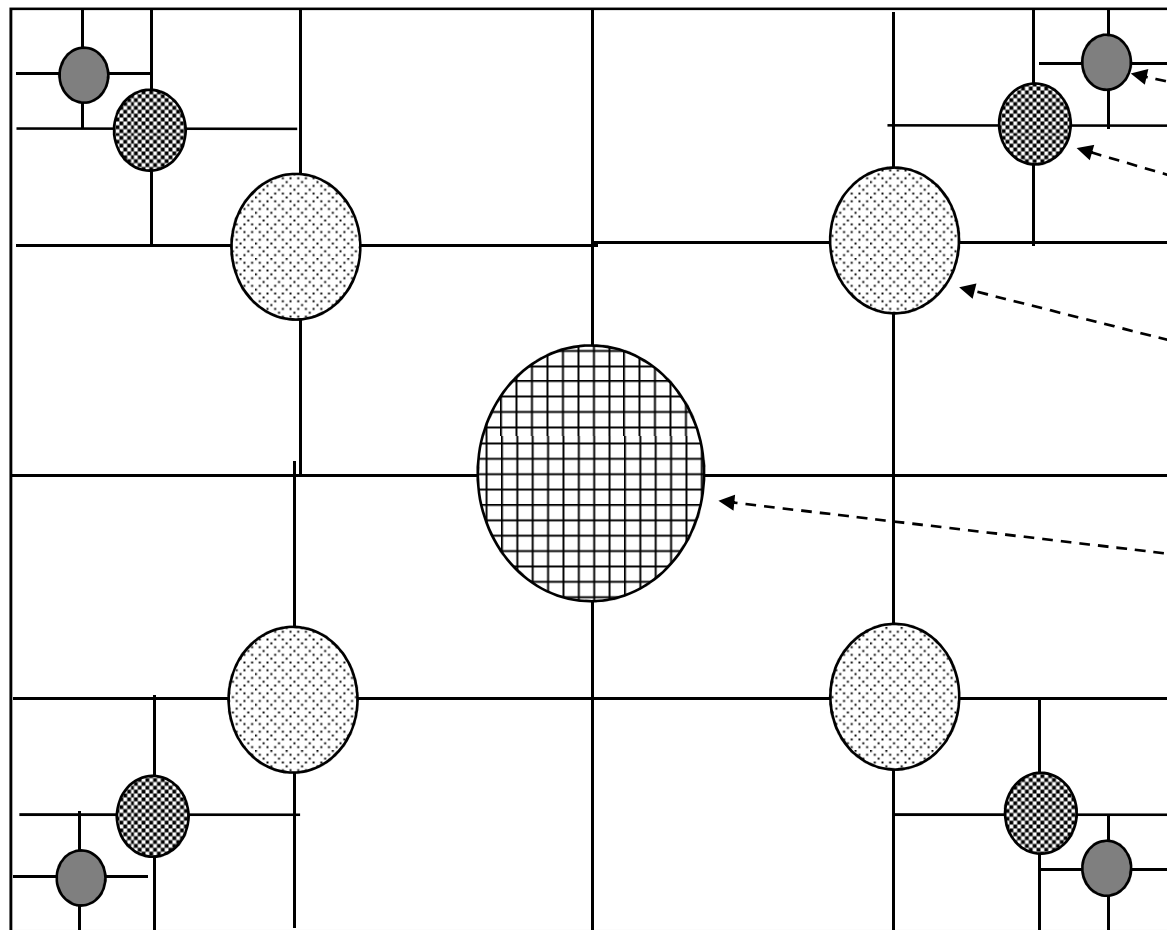
سایر کاربردها	صنعتی	فرهنگی	مذهبی	درمانی	آموزش عالی	آموزشی	تجاری	مسکونی	
									مسکونی
									تجاری
									آموزشی
									آموزش عالی
									درمانی
									مذهبی
									فرهنگی
									صنعتی
									سایر کاربردها



## ۲- اصل رعایت سلسله مراتب استقرار کاربردهای شهری

سیستم شهری علاوه بر داشتن محیط بیرونی که حوزه نفوذ شهر را تشکیل می دهد ؛ در محدوده داخلی خود از مناطق شهری ، نواحی شهری و محلات شهری تشکیل شده است . بنابراین هر یک از کاربردهای شهری تابع این سلسله مراتب بوده و بنا بر استقرار در هر یک از سطوح شهری ( مناطق ، نواحی ، محلات ) دارای مساحت ، عملکرد ، شعاع دسترسی مختلف و متغیر خواهند بود . به طور مثال ، یک فضای آموزشی در مقطع دبیرستان باید در سطح نواحی و مناطق استقرار یابد ، ولی واحدهای آموزشی ابتدایی در سطح محلات مستقر خواهند شد .

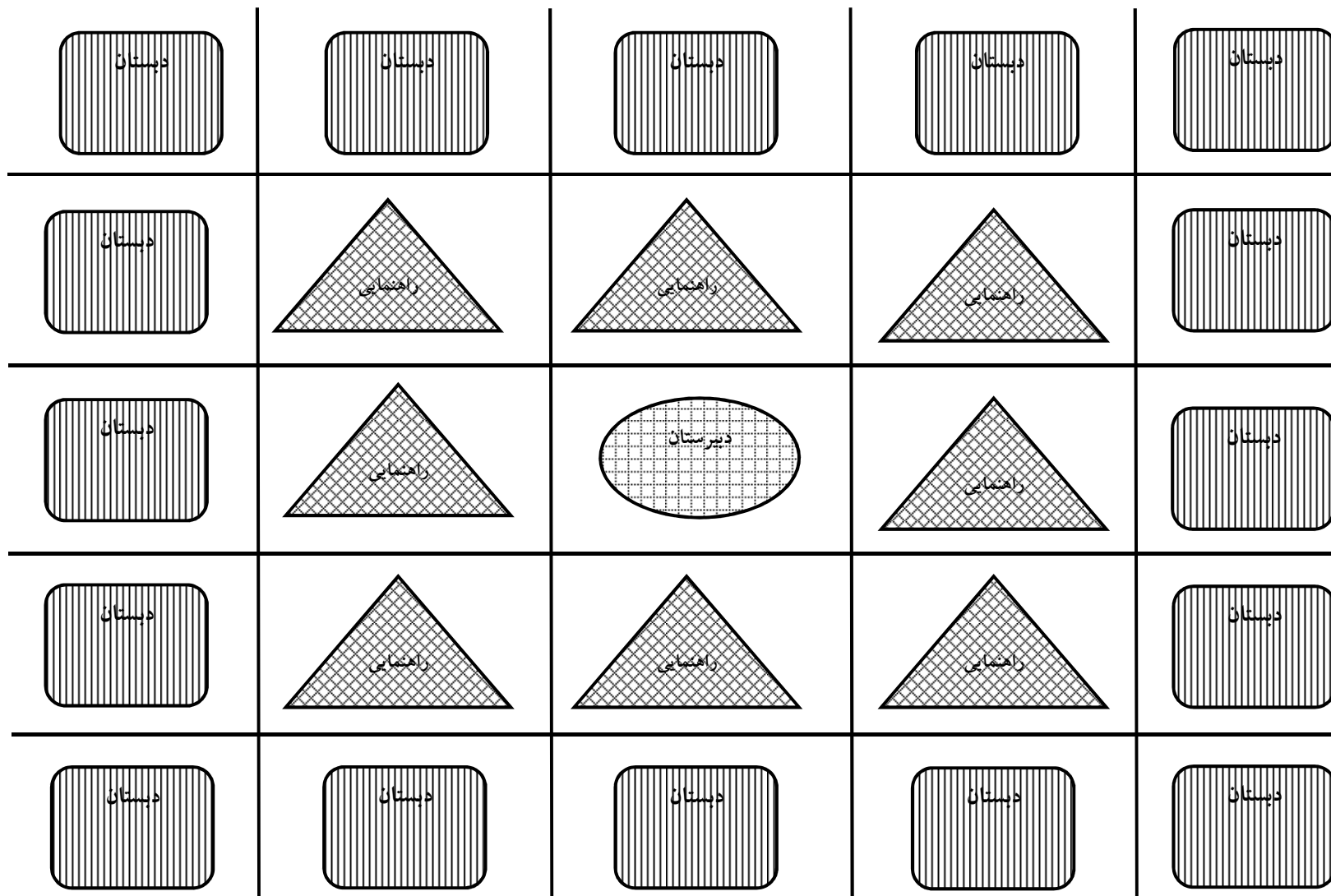




- 1- مرکز محله
- 2- مرکز ناحیه
- 3- مرکز منطقه
- 4- مرکز شهر

ماخذ: بنی سعید - ۱۳۸۹

## مدل مفهومی سلسله مراتب کاربردهای شهری

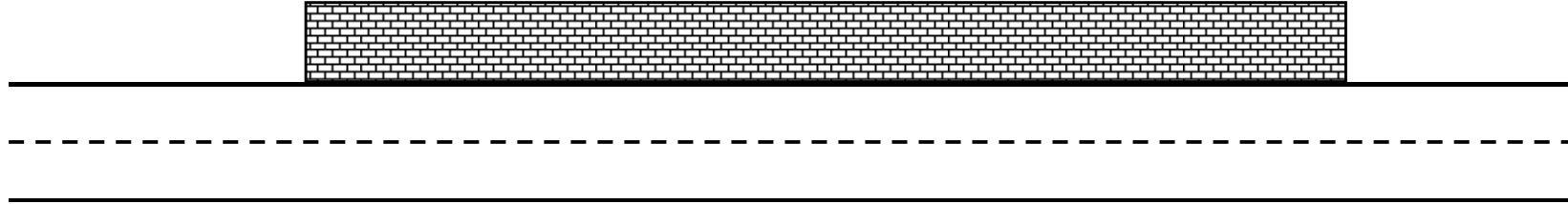


ماخذ: بنی سعید - ۱۳۸۹

## ۳- اصل تناسب در اندازه اضلاع کاربردهای شهری

یکی از مهمترین اصول در طراحی برنامه تغییر و توسعه شهری ، توجه به اصل تناسب در اندازه ابعاد و اضلاع کاربردهای شهری می باشد . هر یک از کاربردهای شهری با توجه به نوع عملکردی که برای آن تعیین شده است ، دارای ویژگی های مشخص و معینی می باشد . به طور مثال عملکرد یک کاربرد تجاری خطی که در حاشیه طولی یک خیابان طراحی می گردد با عملکرد یک تجاری متمرکز متفاوت است . بنابراین دانشجویان در طراحی برنامه تغییر و توسعه شهری ، عرض و طول و ارتفاع و یا به عبارت دیگر اضلاع کاربردهای شهری را متناسب با نوع عملکرد آن مورد توجه قرار دهند .

چیدمان مفهومی تجاری خطی



چیدمان مفهومی تجاری متمرکز



ماخذ: بنی سعید - ۱۳۸۹

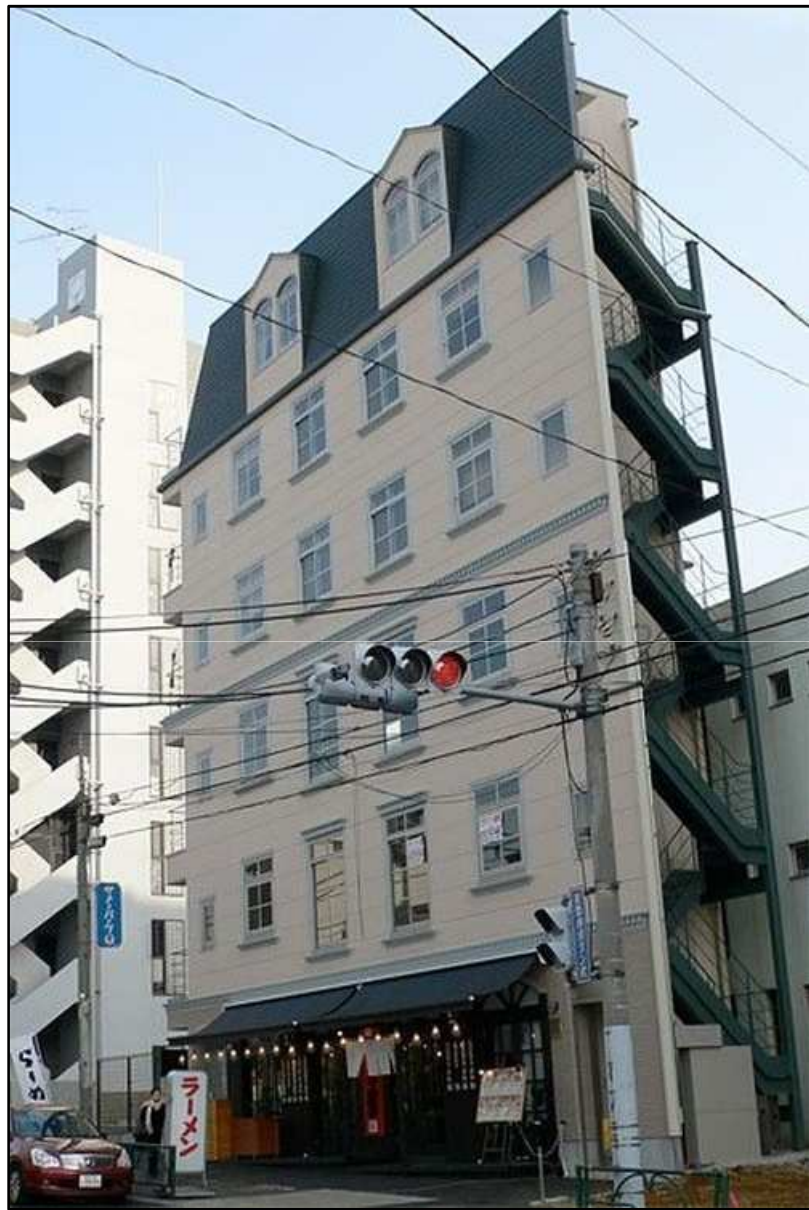


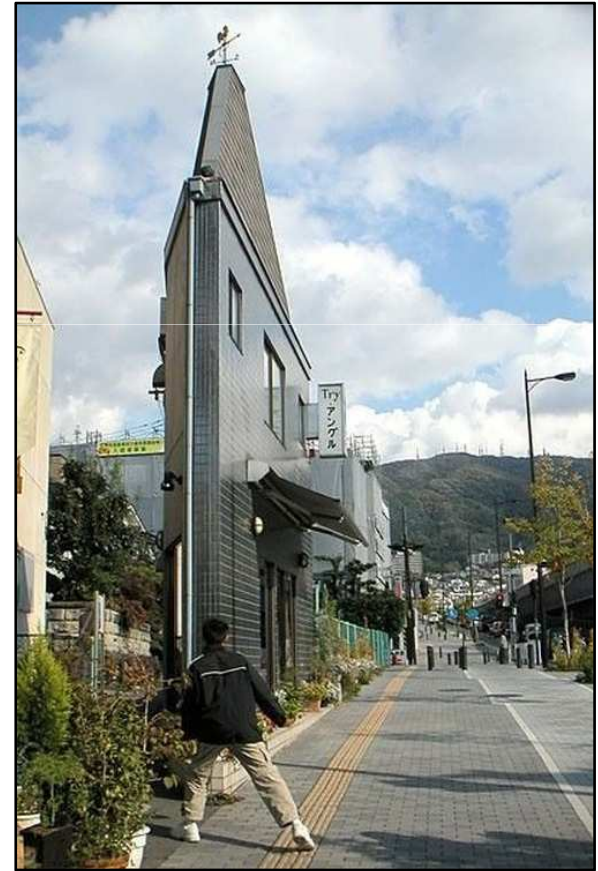










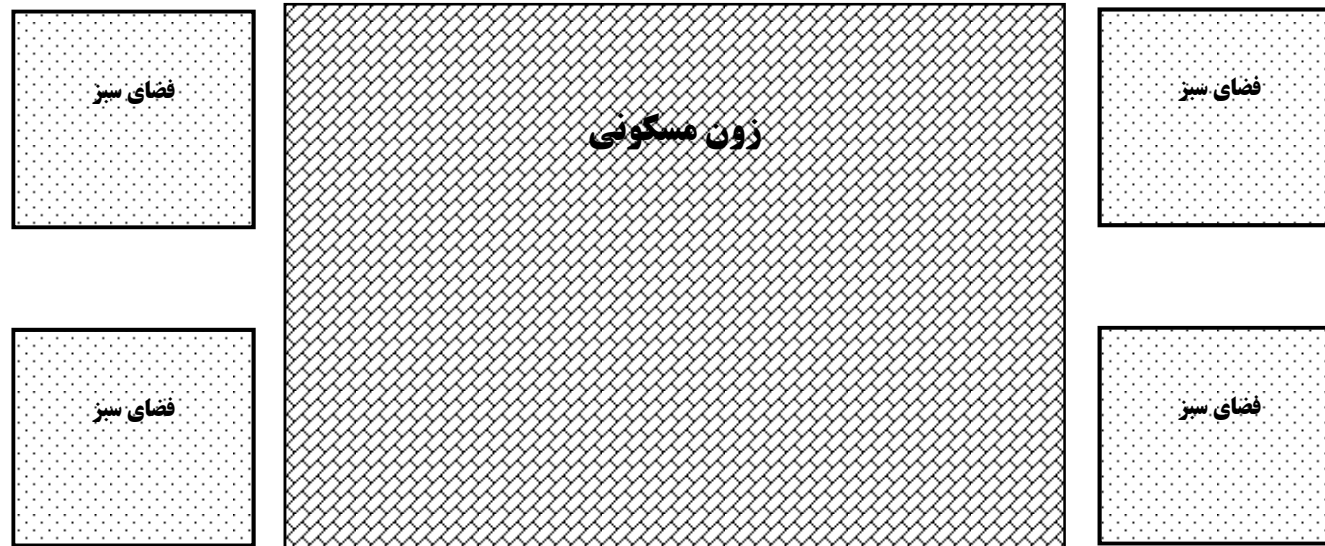




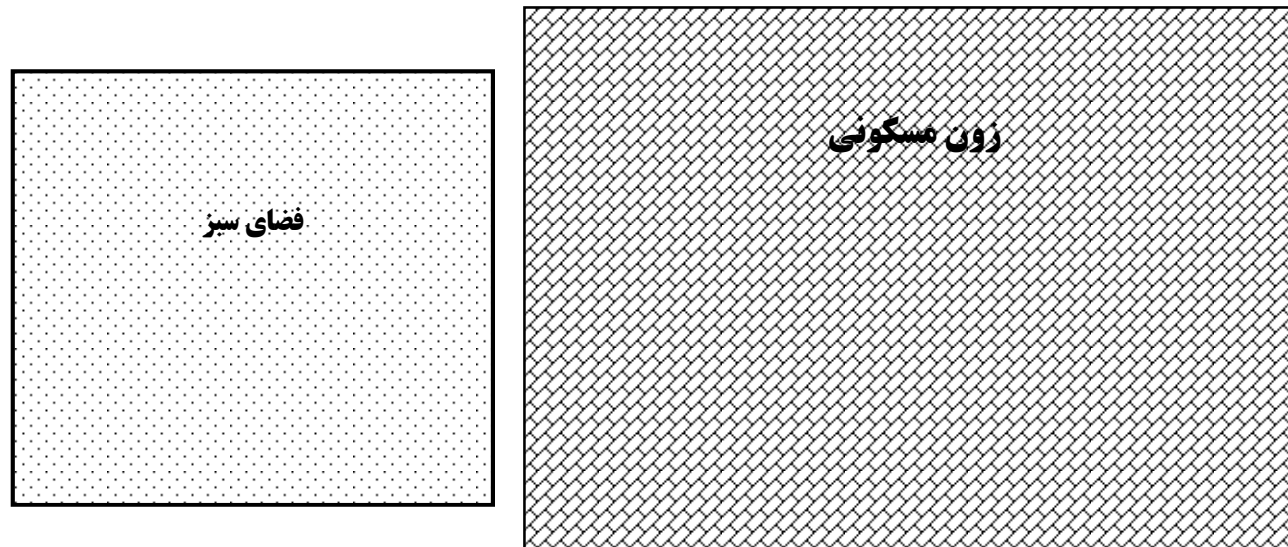
## ۴- اصل تناسب در اندازه مساحت کاربردهای شهری

این اصل یکی از مهمترین اصول طراحی برنامه های شهری می باشد. همان گونه که تناسب در اندازه اضلاع یک کاربرد شهری بسیار مهم است، تناسب در مساحت کاربردهای شهری از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در این اصل توجه به سرانه برخورداری شهروندان از هر یک از کاربردهای شهری مورد توجه می باشد. به عبارت دیگر مطابق با سرانه هر کاربرد در مناطق شهری، نواحی شهری، محلات شهری، مساحت مورد نیاز کاربردها تعیین می گردد.

مساحت مورد نیاز فضای سبز به طور متعادل در کارکرد مسکونی توزیع شده است



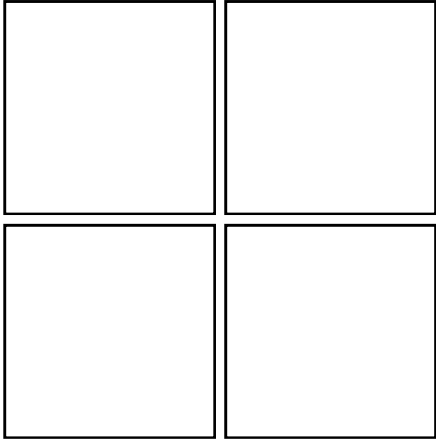
مساحت مورد نیاز فضای سبز به طور نامتعادل در کارکرد مسکونی جانمایی شده است



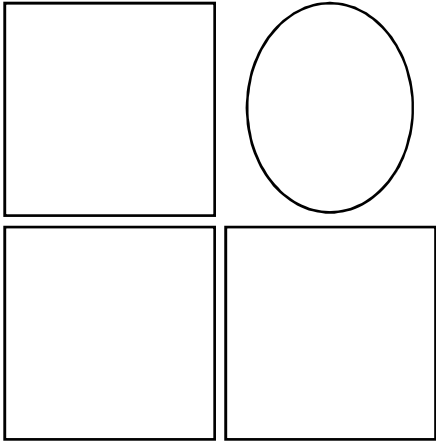
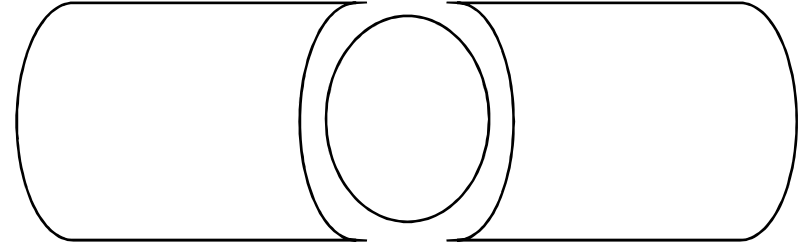
ماخذ: بنی سعید-۱۳۸۹

## ۵- اصل تناسب در شکل کاربردهای شهری

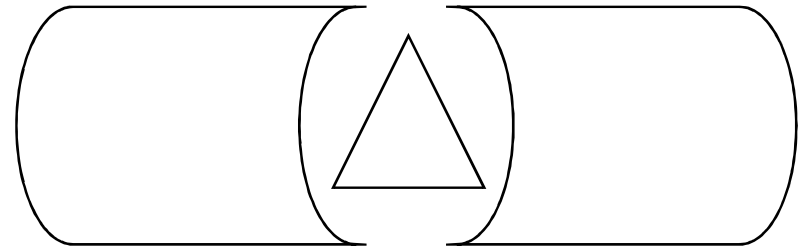
برنامه ریزان و طراحان شهری تلاش می کنند در طراحی برنامه ، کارکردها و کاربردهای شهری به گونه ای طراحی نمایند که از نظر شکل زمین تناسب لازم را داشته باشد ، به طوری که علاوه بر زیبایی ، از جنبه عملکردی ، کارآمد باشد .



تناسب



عدم تناسب

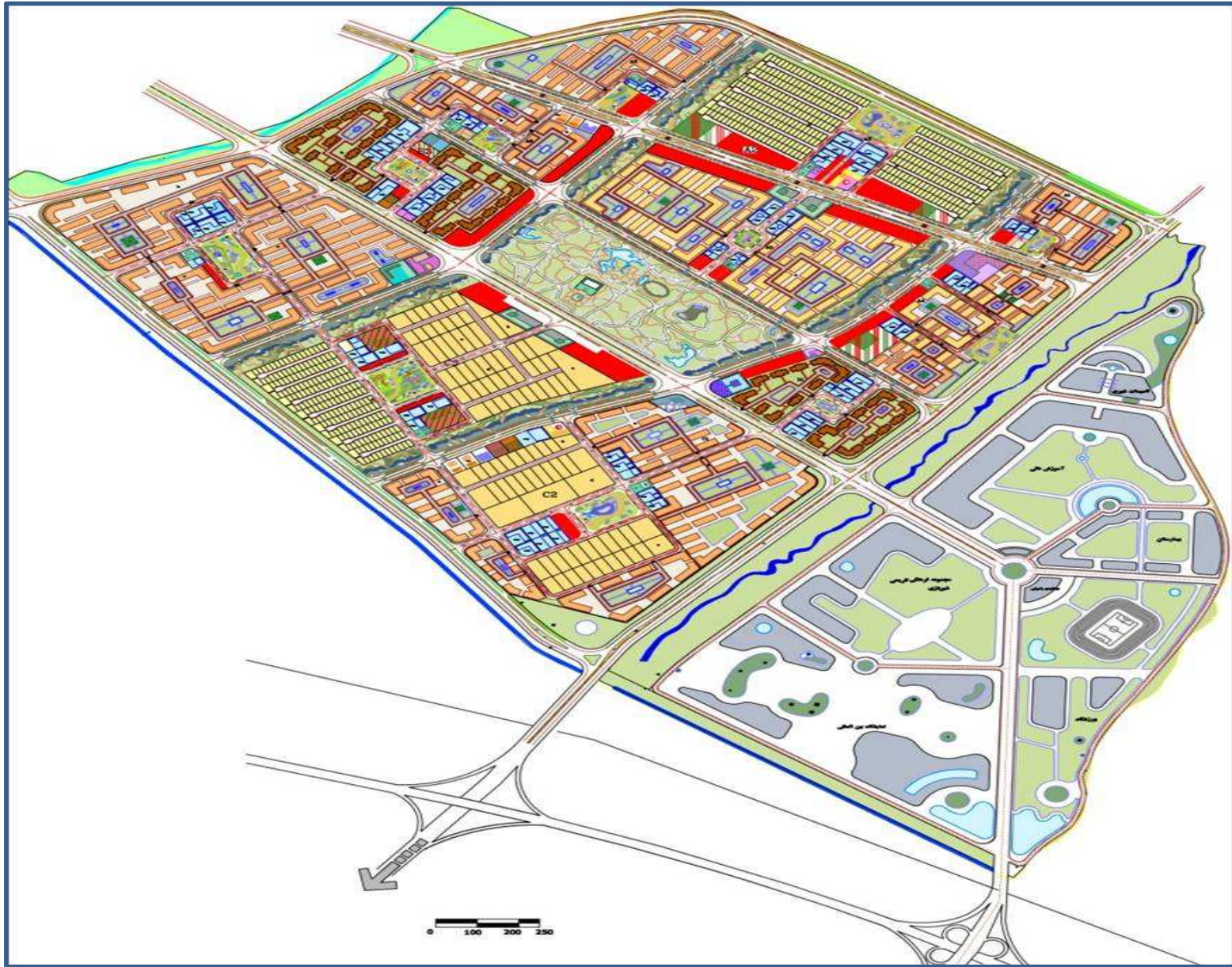


ماخذ: بنى سعيد - ١٣٨٩

## ۶- اصل اتصال کاربردهای شهری به شبکه های ارتباطی

مطابق با این اصل همه کاربردهای شهری الزاماً می بایست به یک یا چند معبر سواره دسترسی و اتصال داشته باشند .

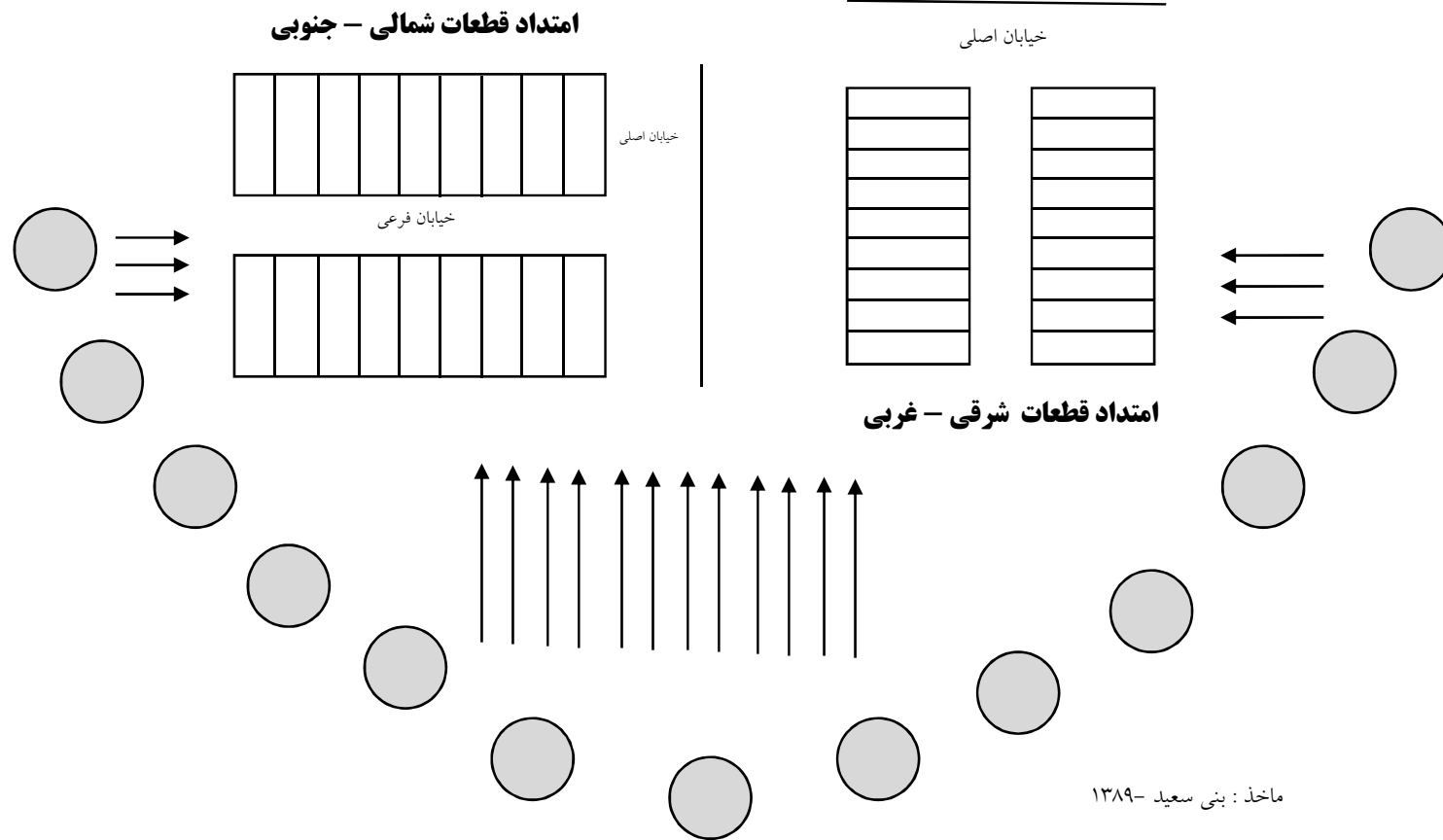




## ۷- اصل انطباق شرایط اقلیمی در برنامه ریزی و طراحی شهری

در این اصل ، طراحی کاربردهای شهرهای از سه جنبه مهم است:

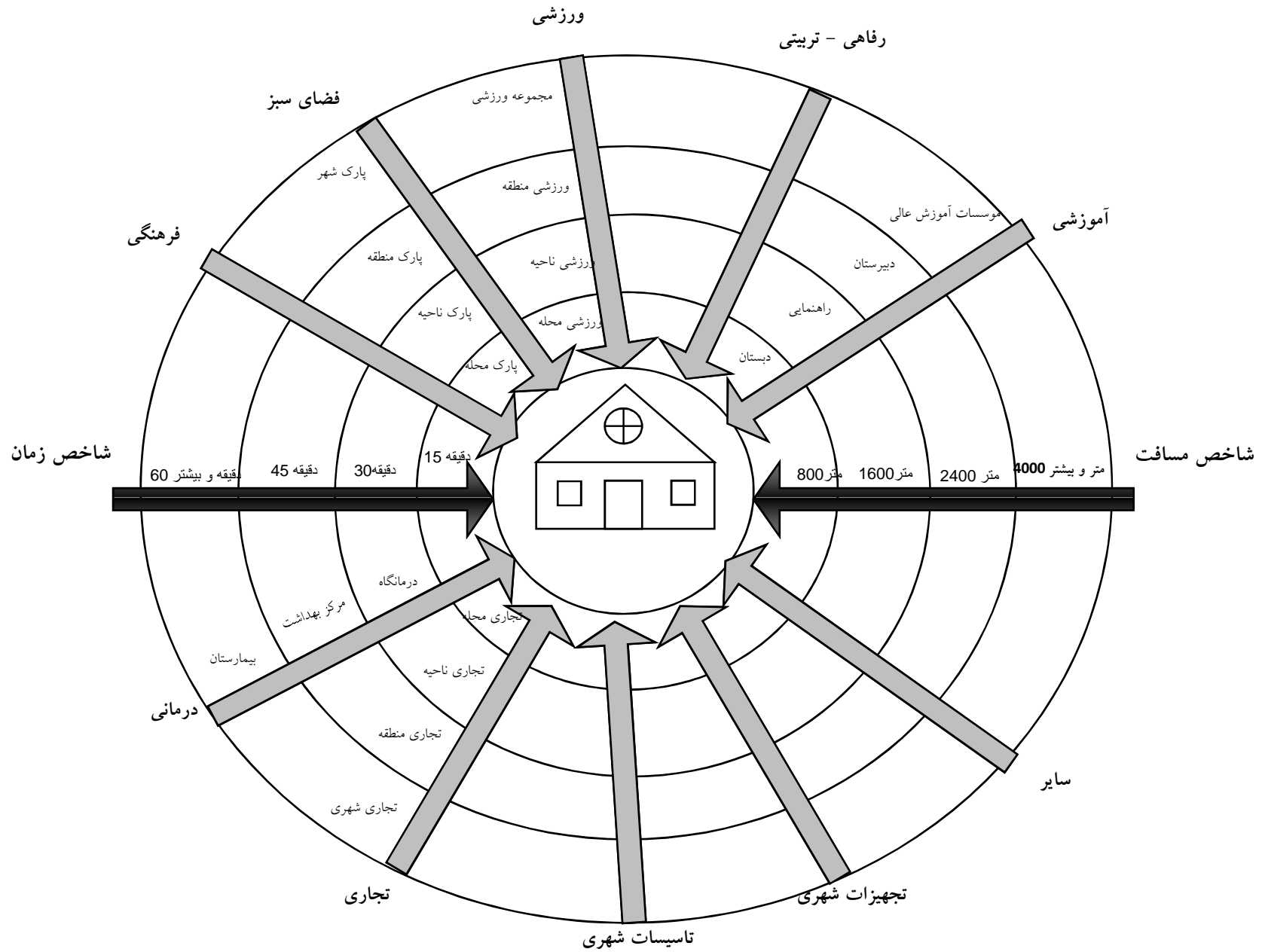
- جنبه نخست : اصل میزان بهره مندی از نور خورشید
- جنبه دوم : اصل میزان بهره مندی از گرمای خورشید
- جنبه سوم : اصل میزان بهره مندی از کوران هوا



ماخذ: بنی سعید - ۱۳۸۹

## ۸- اصل عدالت در شعاع دسترسی به کاربردهای خدماتی

در چیدمان و طراحی هر کاربرد شهری از مبنای زون مسکونی ، دو عامل مهم شاخص زمان و شاخص مسافت دارند .



## محور چهارم : محور « دسترسی »

منظور از دسترسی این است که آیا در یک فضای شهری :

- ❖ توانایی و امکان دسترسی به افراد جامعه
- ❖ توانایی و امکان دسترسی به فعالیت ها
- ❖ توانایی و امکان دسترسی به کالدها (اماکن و ابنیه ها)
- ❖ توانایی و امکان دسترسی به منابع
- ❖ توانایی و امکان دسترسی به خدمات
- ❖ توانایی و امکان دسترسی به اطلاعات
- ❖ سایر

## محور پنجم : محور « نظارت و اختیار »

منظور از نظارت و اختیار این است که :  
استفاده و دسترسی به فضاها ، فعالیت ها و ایجاد ، تعمیر و  
اصلاح و مدیریت آنها تا چه اندازه توسط کسانی که از آن  
استفاده می کنند و یا در آنها زندگی می کنند صورت می  
گیرد .

به عبارت دیگر:

**نظارت و اختیار = حق دخل و تصرف در فضا**

**Spatial Rights**

حق فضایی شامل حقوق زیر است :  
نخستین حق ، حق حضور یا حق بودن در یک مکان است .





- دوّمین حق ، حق استفاده و عمل و رفتار آزادانه در یک مکان و یا استفاده از تسهیلات آن است .



سومین حق ، حق اختصاص به خود است . هنگامی که این حق محقق شود نظارت و استفاده از منابع شهری خصوصی ، ملزم به اجازه از مالک خواهد بود .



## چهارمین حق ، حق تغییر و اصلاح است .



پنجمین حق ، حق واگذاری است .



بنابراین به نظر شما ، یک برنامه ریز شهری (مهندس  
شهرسازی ) در برنامه ریزی برای یک شهر خوب با توجه  
به این نظریه چگونه باید عمل نماید؟